

تحلیل جامعه‌شناختی روایت زنان از زندان، پس از آزادی^۱

سهیلا صادقی فسایی^۲، زهرا میرحسینی^{۳*}

چکیده

مقاله حاضر ضمن مرئی کردن زنان در دانش جرم‌شناسی بر آن است تا موضوعات کلیدی را در مورد زندان و آزادی پس از آن دریابد. زندگی در زندان تجربه زیسته متفاوتی است که با وجود تفاوت‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، و جرمی زندانیان، شرایط و ویژگی‌های مشترکی را برای آن‌ها به وجود می‌آورد. مطالعه حاضر با رویکردی کیفی انجام شده و یافته‌های تحقیق، که از طریق مصاحبه‌های عمیق با ۲۰ زن پس از آزادی از زندان حاصل شده، نشان می‌دهد چگونه زندان، زنان را در یک موضع خاص قرار می‌دهد و برای آن‌ها پیامدهای بسیار جدی را رقم می‌زند، که بخش عمده‌ای از آن توسط زنان منفی تلقی می‌شود و تبعاتی چون طرد خانوادگی و اجتماعی، دوری از فرزندان و تأثیرات حبس، آموزش و یادگیری بزهکاری در زندان، و... را برای آن‌ها به دنبال دارد. باین‌حال، زنان مصاحبه‌شونده معتقدند حبس تأثیرات مثبتی نظیر قطع شبکه‌های ارتباطی جرم‌زا و جداسدن از سابقه جرمی، آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای در زندان و مواردی نظیر این را نیز به دنبال دارد. در مجموع، زنان فارغ از جرم ارتكابی، محیط زندان را فضایی مبتنی بر قدرت، خشونت، و درگیری می‌دانند که در آن فرد با جداسدن از هر آنچه در جهان بیرون به آن متصل است، مجازات می‌بیند.

کلیدواژگان

پژوهش کیفی، زنان زندانی، زندان.

۱. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه دکتری با عنوان «بازسازی زندگی پس از زندان با تأکید بر زنان زندانی» است که به کوشش نگارندگان در دانشگاه تهران به نگارش درآمده است.

ssadeghi@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران

mirhosseini@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۶

طرح مسئله

اگرچه زنان به مراتب کمتر از مردان به زندان محکوم می‌شوند، یافته‌های تحقیقات اخیر حاکی از روند روبه‌رشد و فزاینده نرخ ارتکاب جرم زنان در مقایسه با مردان است [۱۲ و ۱۷]. نتایج تحقیقی در ایران نشان می‌دهد در فاصله سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ تعداد محکومان دادگاه‌ها با حدود ۳۵۶ درصد افزایش مواجه بوده که در این میان تعداد زنان محکوم در طول این دوره در حدود ۴/۵ برابر رشد داشته است [ص ۴۱]. از این‌رو، با توجه به شرایط و ویژگی‌های منحصر به فرد زنان در جامعه و جایگاه آن‌ها در خانواده و ارتباطشان با کودکان، ممکن است با مسائل و مشکلات بیشتری در زندان، پس از آن، و در هنگام بازگشت به جامعه مواجه شوند، که این امر نگرانی‌های زیادی را برای زنان در هنگام بازگشت به جامعه و ادامه جریان عادی زندگی به وجود آورده است. با این حال، به‌رغم تغییرات به‌وجود آمده در تعداد جمعیت زنان زندانی، محققان و اندیشمندان حوزه مسائل اجتماعی و جرم‌شناسی کمتر به جرایم زنان، به‌ویژه مسائل و مشکلات مربوط به آنان در هنگام بازگشت به جامعه پرداخته‌اند، که غفلت از این امر می‌تواند موجب افزایش نرخ بزهکاری مجدد و بازگشت به زندان از یک‌سو و گسترش آسیب‌های اجتماعی از سوی دیگر شود.

در این تحقیق، سعی شده تجربه زیسته زنان از زندگی در زندان و پس از آزادی با استفاده از روش تحقیق کیفی و مصاحبه‌های عمیق مطالعه و تجزیه و تحلیل شود. هدف از این تحقیق دستیابی به نکات پنهان و مخفی زندگی این دسته زنان است که حاصل شرایط ویژه و خاص زندگی‌شان در زندان و پس از آزادی است و امکان دسترسی به آن از طریق تحقیقات کمی و پیمایشی میسر نیست. این تحقیق از آنجا حائز اهمیت است که سعی دارد تجربه‌های زنان از زندگی در زندان را پس از آزادی و فاصله گرفتن از شرایط زندانی بودن بررسی و تبعات و تأثیرات آن را بر زندگی کنونی و فعلی آنان مطالعه کند.

پیشینه تحقیق

با وجود برخی تحقیقات در زمینه بررسی علل مجرمیت زنان و بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم در این افراد (نظیر تحقیقات صادقی ۱۹۹۶، سراج‌زاده و نوربخش ۱۳۸۷، غفاری ۱۳۸۰، احمدی ۱۳۷۸) و همچنین تحقیقاتی در زمینه آسیب‌های زندگی در زندان و آسیب‌شناسی زندان (نظیر عبدی ۱۳۷۷، شمس ۱۳۹۱، دلاوری و همکاران ۱۳۸۹، عارفی ۱۳۸۹، ابراهیمی قوام ۱۳۸۸) که بیشتر در حوزه‌های روانشناسی، پزشکی، و حقوق به بررسی ویژگی‌های زنان مجرم، بررسی میزان افسردگی و بیماری‌های روحی و روانی در داخل زندان، و گسترش رفتارهای پرخطر در میان زنان زندانی پرداخته و در واقع تأثیرات زندان را بر فرد بررسی

کرده‌اند، در مجموع نتایج مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد تحقیقات چندانی با رویکرد جامعه‌شناختی در زمینه بررسی زندگی زنان زندانی در سال‌های حبس و پس از آن در ایران وجود ندارد. از این‌رو، در این پژوهش محققان بر آن شده‌اند تا با انجام‌دادن تحقیقی کیفی به مطالعه و بررسی روایت زنان از زندان پس از آزادی و شرایط حاکم بر زندان بپردازند. هدف از این تحقیق بررسی تجربه زیسته زنان از زندان و روایت آن‌ها از زندگی در زندان، پس از آزادی، و خروج از آن است.

ملاحظات نظری

با توجه به کیفی بودن تحقیق، چارچوب نظری خاصی برای اجرای تحقیق به کار گرفته نشده، هرچند که در همه مراحل تحقیق، از جمع‌آوری داده‌ها تا تجزیه و تحلیل اطلاعات و یافته‌های تحقیق با کاربرد مفاهیم حساس و ارجاع به نظریه‌های مرتبط، ارتباط با دانش موجود حفظ شده است.

در زمینه تبیین بزهکاری زنان، دو دیدگاه موجود است؛ دیدگاهی که معتقد است برای تبیین جرایم به نظریه‌هایی نیاز است که به اندازه کافی عمومیت داشته باشند تا هم جرایم زنان و هم جرایم مردان را توضیح دهند. براساس این دیدگاه، دلیلی وجود ندارد که توضیح بزهکاری زنانه با بزهکاری مردان تفاوتی داشته باشد. دسته دوم، نظریه‌هایی است که با رویکردهای فمینیستی و زنانه قصد تبیین جرایم زنان را دارد.

نخستین دسته نظریه‌های غیرفمینیستی بر پایه تبیین‌های زیست‌شناسانه و روانشناسانه استوارند و به این مسئله پرداخته‌اند که زنان به لحاظ فیزیولوژیکی و داشتن برخی ویژگی‌های طبیعی، ذاتاً موجوداتی غیرمجرماند و بزهکاری با عنصری چون مذکربودن و داشتن خصایل مردانه و روحیه پرخاشگری در ارتباط است [۱۰، ص ۱۵۷]. از این‌رو، مجرمان زن کسانی هستند که برخلاف طبیعت آرام خویش عمل می‌کنند و موجوداتی‌اند که به رشد تکاملی خود دست نیافته یا دیوانه‌اند. دسته دیگر نظریه‌های غیرفمینیستی بزهکاری زنان را در زمینه اجتماعی مطرح می‌کنند. براساس این نظریه‌ها، رفتار بزهکارانه یا نتیجه شرایط اجتماعی محیط زندگی فرد مجرم یا ناشی از تجربه‌هایی است که وی از سر گذرانده است. به عبارت دیگر، در این نظریه‌ها بزهکاری فرد به نحوه تربیت فرد و خانواده وی یا نامناسب بودن شرایط محیطی ارجاع داده می‌شود [۱، ص ۲۰۷-۲۱۰].

دسته دوم از نظریه‌پردازان بر این باورند که نظریه‌های مرسوم کجروی، توان تبیین جرایم مرتبط با زنان را ندارند و برای تبیین جرایم زنان به نظریه‌هایی خاص نیاز است. از این‌رو،

جرم‌شناسی فمینیستی برای تبیین جرایم زنان در اواسط دهه هفتاد با آثار آدلر^۱ (۱۹۷۵)، سیمون (۱۹۷۵) و اسمارت (۱۹۷۷) توسعه یافت. فمینیست‌ها معتقدند باید الگوهای نظری را تغییر داد تا نقش جنسیت در بزهکاری زنان آشکار شود، زیرا سرنوشت زنان با مناسبات طبقاتی و جنسیتی گره خورده است. در نظریه‌های فمینیستی، توجه به مناسبات مردسالارانه و دسترسی نداشتن زنان به منابع قدرت از اهمیت خاصی برخوردار است. جرم‌شناسان فمینیست فرایند جرم‌انگاری را به شدت آکنده از فرض‌های جنس‌گرایانه می‌دانند و بر این باورند که این فرض‌ها به تقویت و بازتولید انواعی از نابرابری‌های ساختاری می‌انجامد که در جامعه وجود دارد و مبتنی بر جنسیت است [۱۴، ص ۱۱-۱۹].

همان‌طور که بحث شد، در زمینه تبیین جرایم زنان و ابعاد مختلف آن می‌توان به نظریه‌ها و رویکردهای مطرح‌شده مراجعه و استناد کرد و از آن‌ها به‌عنوان نظریه‌های ارجاعی در همه مراحل تحقیق استفاده کرد. با این حال، با توجه به کیفی بودن پژوهش، هیچ‌یک از این نظریه‌ها به‌منزله چارچوب تئوریک تحقیق انتخاب نشده‌اند.

اهداف تحقیق

هدف کلی در این تحقیق عبارت است از: تحلیل جامعه‌شناختی روایت زنان از زندان پس از آزادی، که شامل اهداف جزئی ذیل است:

۱. بررسی تجربه زیسته زنان و روایت آنان از زندگی در زندان؛
۲. بررسی آثار و پیامدهای زندگی در زندان؛
۳. شناسایی راهکارهای زنان مجرم به منظور عادی‌سازی شرایط زندگی در زندان و پس از آزادی.

روش تحقیق

این تحقیق با به‌کارگیری روش تحقیق کیفی و انجام دادن مصاحبه‌های عمیق کیفی صورت پذیرفته است. روش‌های کیفی می‌توانند درباره پدیده‌های پیچیده توصیف‌های غنی را فراهم یا وقایع منحصربه‌فرد و غیرقابل انتظار را پیگیری کنند. این روش‌ها می‌توانند تجربه‌ها و تفسیرهایی را که کنشگران از وقایع انجام می‌دهند، از طریق روش استقرایی روشن کنند. با توجه به ابعاد پنهان زندگی زنان در زندان و ویژگی‌های منحصربه‌فرد آن، به نظر می‌رسد مصاحبه‌های کیفی می‌تواند نقش مؤثری در کشف ابعاد پنهان زندگی زنان مجرم، که به‌ندرت در تحقیقات پیمایشی می‌توان به آن‌ها دست یافت، ایفا کند.

1. Adler

شایان ذکر است که برای تحلیل مصاحبه‌ها از روش تحلیل تماتیک استفاده شده است. تحلیل تماتیک نوعی تقلیل داده و استراتژی تحلیلی است که به واسطه آن داده‌های کیفی خلاصه و مقوله‌بندی و به صورتی بازسازی می‌شوند که بتوانند مهم‌ترین مفاهیم را در مجموعه داده‌ها به دست دهند. این تحلیل اساساً نوعی استراتژی توصیفی است که جست‌وجوی ما را در یافتن الگوهایی از تجربه‌ها در میان مجموعه داده‌های کیفی امکان‌پذیر می‌کند. در کدگذاری تماتیک تحلیلگر اغلب باید از تم‌های شناخته‌شده (یا حداقل پیش‌بینی‌شده) در داده‌ها آغاز کند؛ زیرا آن مفاهیم آشکارا در جمع‌آوری داده‌ها دخیل بوده‌اند. کدها همچنین ممکن است از مفاهیم حساس نظری آغاز شود که با مروری بر ادبیات یا یک تجربه حرفه‌ای به دست آمده است. در انتهای تحلیل تماتیک می‌توان به مجموعه‌ای از تم‌ها و توصیف آن‌ها دست یافت که در بردارنده مفاهیم مهم و فرایندهایی است که در مطالعه شناسایی شده‌اند و هم‌دربرگیرنده الگوهای جامع از تجربه که به واسطه آن‌ها مفاهیم و فرایندها آشکار شده‌اند [۱۳، ص ۸۶۷-۸۶۸].

نحوه نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده‌ها

در این تحقیق، با ۲۰ زن، پس از گذران دوره حبس و آزادی از زندان، مصاحبه شده است. افراد مورد نظر برای مصاحبه براساس روش نمونه‌گیری هدفمند و از میان زنانی انتخاب شده‌اند که حداقل یک بار سابقه حبس داشته‌اند. با توجه به مشکلات دسترسی به این افراد، زنان مصاحبه‌شونده از میان همه زنانی که از زندان آزاد شده و برای دریافت خدمات حمایتی یا مشاوره‌ای به مرکز مراقبت پس از خروج استان تهران مراجعه کرده و در آن مرکز پرونده تشکیل داده‌اند، انتخاب شده‌اند. به منظور انتخاب نمونه‌ها ابتدا باید جامعه مطالعه‌شده را ارزیابی کرد و در آن دست به گونه‌شناسی زد و سپس براساس هریک از گونه‌های شناخته‌شده، نمونه‌گیری کرد. در اینجا آنچه اهمیت دارد درجه گویایی نمونه‌هاست و نه تعداد آن. بنابراین، پژوهشگر باید بیش از هر چیز تلاش کند گویا بودن نمونه را با استدلال و بیان خود نشان دهد. در این مرحله، پرسش از مصاحبه‌شونده‌ها تا جایی پیش می‌رود که پاسخ‌های افراد، مشابه یکدیگر شود و به حد اشباع برسد.

شایان ذکر است که هریک از مصاحبه‌ها به صورت انفرادی و در جلسات یک تا سه‌ساعته و در یک یا دو جلسه صورت پذیرفت و با اجازه مشارکت‌کنندگان ابتدا روی نوار ضبط و سپس روی کاغذ نگاشته شد. در جلسات مصاحبه، زنان در فرایندی روایتی، در ابتدا شرحی از علل ارتکاب جرم و نحوه دستگیری و در مرحله بعد تجربه زندگی در زندان، توصیفی از نظام زندان و ویژگی‌ها و شرایط زندگی در آن، تعاملات و ارتباط درون زندان، و نحوه گذران زندگی روزمره آن را ارائه کردند.

خصوصیات و ویژگی‌های نمونه

همهٔ مصاحبه‌شوندگان در هنگام مصاحبه در دامنهٔ سنی ۱۸ تا ۶۸ سال قرار داشتند و میانگین سن آن‌ها ۴۳ سال بود. کمترین طول مدت حبس ۳ ماه و بیشترین مدت آن ۱۵ سال است. ده نفر از زنان مصاحبه‌شونده به علت ارتکاب جرایم^۱ مرتبط با مواد مخدر، ۷ نفر جرایم مالی و کلاهبرداری، ۴ نفر دزدی، ۱ نفر سرقت مسلحانه و معاونت در قتل، و ۲ نفر به علت تشکیل خانهٔ فساد و رابطهٔ نامشروع به زندان محکوم شده بودند، که ۶ نفر از این زنان مطالعه‌شده بین ۲ تا ۴ بار سابقهٔ محکومیت و حبس داشتند. در میان زنان مصاحبه‌شونده، ۸ نفر تحصیلات زیر دیپلم و ۹ نفر دیپلم داشتند و ۳ نفر دارای لیسانس بودند. مشاغلی که زنان مصاحبه‌شده در این تحقیق پیش از حبس بدان اشتغال داشتند شامل انواع مشاغل دولتی و خصوصی- کارمندی و کارگری- یا مشاغل آزاد زنانه نظیر آرایشگری، فروشنده‌گی، و در نهایت خانه‌داری بود. به لحاظ وضعیت تأهل، ۴ نفر از زنان متأهل، ۳ نفر مجرد، و ۹ نفر مطلقه بودند؛ ۲ نفر نیز همسرشان فوت شده بود و ۲ نفر از همسر خویش متارکه داشتند. هریک از زنان مصاحبه‌شونده بین صفر تا ۴ فرزند دارند. فاصلهٔ زمانی مصاحبه‌ها و آزادی از زندان بین ۱۵ روز تا ۳ سال متغیر بود و این فاصلهٔ زمانی به منظور بررسی میزان موفقیت زنان در بازسازی زندگی پس از حبس مطالعه شد. در زمان مصاحبه، ۲ نفر از زنان مصاحبه‌شونده بلامکان بودند: یکی از آن‌ها کارتن‌خواب بود و دیگری در مسافرخانهٔ بهزیستی زندگی می‌کرد. چهار نفر با همسر، ۳ نفر با والدین، ۳ نفر با فرزند یا فرزندان، و مابقی با دوستان یا اقوام خویش زندگی می‌کردند. در میان اعضای خانواده و بستگان درجه اول ۱۴ نفر از این زنان، حداقل یک بار سابقهٔ جرم و رفتن به زندان وجود داشت، که ۷ نفر از آن‌ها با شوهران خویش هم‌جرم بوده‌اند.

یافته‌های تحقیق

در این بخش از مقاله سعی شده نتیجهٔ تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی براساس اهداف تعریف‌شده در این تحقیق ارائه شود.

تجربهٔ زیسته در زندان به روایت زنان

این بخش از تحقیق، نتیجهٔ تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی است که سعی شده در

۱. برخی زنان مصاحبه‌شونده بیش از یک بار سابقهٔ زندان رفتن دارند و بعضاً به علت ارتکاب جرایم متفاوتی دستگیر شده‌اند.

آن نتایج تحقیق با استناد به روایت‌های زنان ارائه شود. ذکر این روایت‌ها نه تنها ابعاد ذهنی و عینی تجربه زندگی در زندان و تأثیرات آن بر دوران پس از حبس و رویکرد زنان به فرایند بازسازی را نشان می‌دهد، بلکه ارجاع به روایت‌ها و گفته‌های آنان می‌تواند اعتبار مقولات اکتشافی را تأیید کند و شائبه تفسیر شخصی داده‌ها و یافته‌های پژوهش را به حداقل رساند. در ادامه، توصیف زنان از زندان، پیامدها و تبعات زندگی در زندان، عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم، و بازگشت به زندگی و بازسازی زندگی بنابر روایت خودشان بیان شده است.

توصیف زندان

نکات استخراج شده از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که زنان در توصیف زندان به جنبه‌های مکانی و فضایی زندان توجه داشته‌اند: بنابراین «جداشدگی» یکی از ویژگی‌های زندان است که مورد توجه مصاحبه‌شوندگان قرار گرفته است. برای نمونه، پروانه^۱ ۴۷ ساله، همسرفوت شده و دارای ۳ فرزند دختر، با تحصیلات زیر دیپلم، که ۴ بار سابقه حمل و نگهداری مواد مخدر داشته، می‌گوید:

توی زندان شاید با عزیزت ۲۰۰ متر هم فاصله نداشته باشی، ولی پشت همون دیوار چال شدی.

در مجموع، از نظر آن‌ها زندان مکانی است که می‌تواند موجب جدایی زندانی از محیط جامعه و هر آنچه مورد علاقه اوست شود. این جدایی در نهایت به شکل قطع ارتباط با فرزندان و اعضای خانواده و طرد از سوی آن‌ها آشکار می‌شود. علاوه بر این، در بین زندانیان طبقه‌بندی‌های عینی و ذهنی وجود دارد که می‌تواند باعث جدایی و حس برتری یا ستیزه‌جویی میان زندانیان شود. چنان‌که زندانیان مالی ممکن است خود را متمایز از سایر زندانیان بدانند.

مونا ۳۹ ساله، متأهل، دارای یک پسر یک‌ساله، لیسانسیه مدیریت، که در یک شرکت دولتی کار می‌کرد و به علت نزول پول و دادن چک و ناتوانی در پرداخت آن به زندان افتاده بود، می‌گوید:

زندانی‌های مالی احساس برتری دارن. از این لحاظ که می‌گفتن جرم ما موادی نیست یا اینکه قاتل نیستیم. هر وقت رد مال کنیم، می‌تونیم بریم بیرون. ولی آدم‌های قتلی و موادی و سرقتی فرق داشتن...

۱. اسامی مستعار و غیرواقعی است.

همچنین، تجربه زندگی در زندان، تجربه زیسته متفاوتی را برای زنان به وجود می‌آورد که می‌تواند آنان را در ارائه توصیفات غنی از نظام زندان، زندگی روزمره در آن، و مباحثی چون خشونت، ترس، و قدرت در زندان یاری کند، که در ادامه بدان‌ها پرداخته شده است.

نظام زندان و زندگی روزمره

الزامات زندگی در زندان و مراکز نظیر آن و نظام حاکم بر آن موجب به انقیاد کشیدن زندانی می‌شود که با گذر زمان و افزایش طول حبس کم‌کم عادی شده و شاید فرد کمتر خود را ملزم به رعایت آن‌ها کند؛ نظیر ساعت بیدار باش یا خاموشی، هواخوری، و مواردی نظیر آن. از این رو، زندانیان در طول روز معمولاً برنامه‌های خاصی برای گذران زندگی خویش دارند که در بیشتر مواقع مشابهت‌های زیادی با یکدیگر دارد. شرکت در کلاس‌های آموزشی، جلسات گروهی، حرفه‌آموزی، کارگاه‌ها، تهیه غذای روزانه، و... اموراتی است که معمولاً یک زندانی در طول روز بدان می‌پردازد.

مینا ۳۱ ساله است. وی به علت حمل مواد مخدر، ۶ سال در زندان بود و در سال ۱۳۹۱ با عفو آزاد شد. مینا در توضیح زندگی روزمره در زندان می‌گوید:

هر روز ۶ صبح می‌رفتیم ورزش، بعد می‌رفتیم صبحانه و بعدش هم کارگاه. ناهار که می‌خوریم یک کم استراحت می‌کردیم، ساعت ۴ و ۵ می‌رفتیم شام درست می‌کردیم... ساعت حمام تا ساعت ۸ شب بود. مخابرات و آشپزخانه هم همین‌طور. آگه نوبت بهت نمی‌رسید، باید غذای آشغال اون‌ها رو می‌خوردیم... شب‌ها هم بعد از شام می‌رفتیم شب‌نشینی. یک موقع‌هایی فراموش می‌کردیم کجاییم. می‌زدیم، می‌رقصیدیم، شاد می‌خوندیم، تولد می‌گرفتن، یک موقع‌هایی برای فامیل‌هاشون ختم می‌گرفتن، این‌ها همه لحظه‌ای بود. خودمون رو گول می‌زدیم. سرگرم می‌کردیم که روزهامون بگذره، و گرنه دیوانه می‌شدیم... می‌دونی زندان معروفه به سیگار و چای و چاخان. می‌نشستن هی چاخان می‌کردن و بقیه هم گوش می‌کردن... یک موقع‌هایی هم یک‌سری جلسات بود که زندان می‌گذاشت و من خیلی دوست داشتم و توش شرکت می‌کردم... آموزشی بود راجع به مهارت زندگی یا آموزش‌های فنی حرفه‌ای... من تو زندان قسمت کتابخونه کار می‌کردم... کلاس‌های زندان رو هم شرکت می‌کردم. خیلی برام خوب بود، ۱۳ تا مدرک گرفتم؛ خیاطی، قالبیافی، بافندگی، گلسر و... توی کارگاه‌های خیاطی و دوزندگی هم کار کردم و به خاطر کارم پول گرفتم.

قدرت در زندان

در زندان، «قدرت» و شیوه اعمال آن برای یک زندانی و در تعامل با سایر زندانیان نقش تعیین‌کننده و تأثیرگذاری دارد. بنا بر نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های کیفی، قدرت در زندان

ارتباط بسیار زیادی با طول مدت حبس و شناخته‌شدگی، همچنین ویژگی‌های منحصر به فرد متهم، نظیر جثه و ویژگی‌های فیزیکی، نوع جرم، رفتار و ویژگی‌های شخصیتی، پول و توانمندی مالی، سن، و... دارد. از این رو، قدرت در زندان برای برخی از زنان شرایطی لذت‌بخشی را فراهم می‌کند که امکان دستیابی به آن در جهان بیرون تقریباً غیرممکن است. یگانه، متولد ۱۳۵۸، مطلقه، دارای دیپلم ریاضی و چند مدرک فنی حرفه‌ای و رایانه است. وی قبل از زندان مدتی در یک شرکت خصوصی مشغول به کار بوده است که با هم‌دستی چند مرد در محل کار خود مرتکب سرقت، اقدام مسلحانه، و معاونت در قتل می‌شود و در نتیجه به ده سال حبس محکوم می‌شود. بنابر روایت خود، انواع مواد مخدر را تجربه کرده و ۳۱ بار برای ترک اعتیاد به کمپ برده شده، اما نتیجه‌ای در ترک نداشته و بلافاصله با پایان هر دوره مواد را شروع کرده است. در حال حاضر کارتون خواب است، وی می‌گوید بهترین روزهای زندگی‌اش را در زندان گذرانده و ادامه می‌دهد:

اونجا کسی با من کار نداشت... هیچ وقت آمار نرفتم. از سال دوم زندان، کلاً اونجا رو من رو انگشتم می‌چرخوندم. توی زندان مواد مصرف می‌کردم... صدام می‌کردن «ددی» (یعنی پدر). کسی جرأت نمی‌کرد جلوی من با کسی دعوا کنه. اصلاً پیش نیومد من هم با کسی دعوا کنم... زورم نسبت به بقیه دخترها بیشتر بود، یه دفعه یکی تشنج کرده بود که هر دفعه تشنج می‌کرد باید سه نفری می‌چسبیدنش، ولی من تنهایی اون رو گرفته بودم. دو تا دختره بالا تخت نشسته بودن صحبت می‌کردن که یکی شون خندید. فقط یه نگاه بهش کردم گفتم بتر صدات رو! گفت اگه نبرم؟ من دیگه این آدم رو ندیدمش، عین بچه‌های اتاق، مثل مور و ملخ، از تخت رفتن بالا یکی با دمپایی یکی با مشت یکی با جارو، این دختر رو زندنش تو غش از تخت آوردنش پایین. گفتم که؛ نه بزن بهادر بودم، نه خشن، نه اینکه دوست زیاد داشتم، این کار رو برام می‌کردن... تو زندان ۳۴ تا نوچه داشتم. از در زندان که می‌اومدم بیرون، بچه‌ها مثل قطار دنبالم راه می‌افتادن.. من گفتم که ملاقاتی نداشتم (همون روز که حکم اومد، رفتم تلفن زدم خونه با مادرم خداحافظی کردم و اون‌ها رو کنار گذاشتم...) که بخوام پول بدم یکی لباس‌هام رو بشوره یا کارگر بگیرم، ولی بچه‌ها اجازه نمی‌دادن خودم لباسم رو بشورم، برام می‌شستن... دلم تنگ شده واسه زندان، واسه آرامشی که اونجا داشتم...

شبکه‌های ارتباطی در زندان

یکی از مسائل مهم زندگی در زندان، تعاملات زندانیان و تشکیل شبکه‌های ارتباطی، گروه‌ها، و باندهای داخل زندان است که ممکن است در بسیاری مواقع موجب ارتکاب مجدد جرم، توسعه بزهکاری، آموزش بزهکاری، و حتی کشیده شدن دامنه آن به خارج از زندان شود. از شبکه‌های مهم ارتباطی و تعاملی داخل زندان «شبه‌خانواده‌ها» هستند و معمولاً تحت تأثیر روابط

همجنس‌گرایانه و با تقلید و جعل جریان زندگی در ساحت اصلی جامعه و زندگی خانوادگی شکل گرفته و حتی ممکن است موجب ترس و نگرانی برخی زندانیان شود. لیلیا ۳۸ ساله، دو بار سابقه حبس دارد و به جرم حمل مواد مخدر در مجموع ۵ سال زندان بوده است. وی در این باره می‌گوید:

اولین بار که اونجا رفته بودم، خیلی می‌ترسیدم. یک‌سری زن دیده بودم که شبیه مردها بودند، شلوار کردی گشاد با تی‌شرت می‌پوشیدن. از مچ دست تا بازو یک جای سالم نداشتن. دعواشون که می‌شد، سریع خودشون رو می‌زدن؛ مثلاً لیوانشون رو می‌شکستن و می‌کشیدن به دستشون. اون‌ها تریپشون مردونه بود، موهای کوتاه، اصلاح نمی‌کردن، ابرو برنمی‌داشتن، همیشه لباس‌های مردونه می‌پوشیدن؛ یا تی‌شرت یا پیراهن مردونه. همیشه بلوز و شلوار، همیشه یک نفر برای خودشون داشتن؛ مثلاً اون‌ها مرد بودن و یک زن برای خودشون داشتن مثل زن و شوهر بودن. حبس بالا بودن، خیلی بد بودن. قاتل، یکی دو تا هم قاچاق زیاد، که همشون حبس ابدی بودن. تازه وارد که می‌اومد جوون بود، می‌رفتن دنبالش. ولی بزرگ‌ترهای زندان می‌رفتن می‌گفتن با این‌ها هم‌خرج نشین. من که قیافه اون‌ها رو می‌دیدم می‌ترسیدم. همون اول مشخص بود چی‌کاره هستن. لباس پوشیدن، مدل مو، دست‌هاشون که هیچ جای سالم نداشت. جووری می‌بریدن دستشون رو که بخیه نزنن و زخمشون باز بمونه. مثل سوختگی‌هایی که روی دست بمونه. ازشون می‌ترسیدن، زن‌هاشون مثلاً قشنگ به خودشون می‌رسیدن. آرایش می‌کردن، لباس زنونه می‌پوشیدن. اگه یکی به زنشون نگاه می‌کرد، دعوا می‌شد. حالا همه اونجا زن بودن! ولی حس مردی داشتن. عادی‌ها این‌طور نبودن. اکثریت اعدامی بودن دیگه. از همه چی بریدن، امیدی به زندگی ندارن. اونجا زندگی تشکیل داده بودن...

با توجه به مصاحبه‌های انجام‌شده می‌توان گفت تشکیل باندهای داخل زندان معمولاً متأثر از طول مدت حبس، نوع جرم، تعداد سابقه، سن و ویژگی‌های فیزیکی، و قدرت تأثیرگذاری زندانی است که درنهایت به نحوه‌پروری در داخل زندان منجر می‌شود.

ابعاد ترس در فضای زندان

ترس در زندان معمولاً با توجه به نوع جرم معنا می‌یابد؛ بدین صورت که زنان جوانی که مرتکب جرایم مالی شده‌اند، ممکن است بیش از سایرین از زندان و محیط آن بترسند. ترس در زندان را می‌توان به انواع ترس از درگیری و خشونت، ترس از سایر زندانیان - به‌ویژه زندانیان حبس‌بالا و نوجه‌های آن‌ها - ترس از اعتیاد، ترس از بیمار شدن، ترس از آزارهای جنسی و درنهایت ترس از محیط و مکان زندان تقسیم‌بندی کرد. شیوا، ۴۵ ساله، با دو سال سابقه زندان برای جرم مالی، در این زمینه می‌گوید:

...از موادی‌ها می‌ترسیدم. نه من، خیلی‌ها از شون می‌ترسیدن. از کنار دیوار می‌رفتم، واقعاً وحشتناک بودن. بهت می‌پریدن، باهم زد و خورد داشتن. زندانی‌های دیگه رو هم همه‌جوره اذیت می‌کردن. یک موقع‌هایی کارت‌تیمین^۱ زندانی‌های ضعیف‌تر رو می‌گرفتند و اون‌ها رو تهدید می‌کردن که چیزی نکن...

تأثیرات زندان بر زندگی

نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی نشان می‌دهد برداشت زنان از کلیت زندان هم برداشت مثبت بوده است و هم منفی. درحقیقت می‌توان گفت در این رابطه اجماعی وجود ندارد، زیرا برخی زندان را محیطی امن و فضایی برای ایجاد وقفه در زندگی، فضایی ناامیدکننده و بدون اثر اصلاحی و بعضی نیز زندان را بازدارنده جرم و تکرار خطاهای جرمی و جداکننده فرد و هر آنچه او را به زندان پیوند می‌زند و درنهایت آگاهی‌دهنده می‌دانند. با توجه به این امر، می‌توان گفت دیدگاه و رویکرد زنان به جرم و زندان در دسته‌بندی و شناسایی تبعات و پیامدهای مثبت و منفی زندان نیز تأثیرگذار است. در ادامه، تأثیرات و پیامدهای منفی و مثبت زندان بر زندگی زنان برشمرده شده است.

تبعات و پیامدهای منفی زندان

الف) زندان و طرد

یکی از تبعات مهم منفی زندان برای زنان، طرد خانوادگی و طرد اجتماعی است که اولین جنبه عینی آن در ارتباطات خانوادگی در زندان آشکار می‌شود و با عنوان «زندانی بی‌ملاقاتی» می‌توان از آن نام برد. مهم‌ترین پیامد بی‌ملاقاتی بودن بروز بیماری‌های جسمی و روحی، افسردگی، انزوا، برقراری ارتباط با سایر زندانیان، و درنهایت خودکشی است. مونا ۳۹ ساله، متأهل، دارای یک پسر یک‌ساله، لیسانس مدیریت داشته و در شرکت دولتی کار می‌کرده که به علت پول نزول و دادن چک و عدم توانایی در پرداخت آن در سال ۱۳۸۹ روانه زندان شده است. وی می‌گوید:

وقتی زندان افتادم، همه‌چیزم رو از دست دادم؛ اعتبارم، آبروم. همکارهام، دوست‌هام و فامیل‌هام یک جور دیگه روی من حساب می‌کردن. با این اشتباهی که من کردم، آبروم رو از دست دادم. یک ماه اول پدرم اصلاً نیومد ملاقاتم... بدترین چیز توی زندان بی‌ملاقاتیه. دخترایی بودن که خانواده اون‌ها رو طرد کرده بود. به نظرم آدم هر چقدر هم که مجرم باشه، نباید خانواده اون رو تنها بذارن. اون‌هایی که بی‌ملاقات بودن،

۱. کارتی برای خرید از فروشگاه و واریز پول.

بعضی وقت‌ها از فشار زیاد خودکشی می‌کردن. یک نفر جلوی من خودش را از بالای پله‌ها انداخت پایین. یا با شیشه خودشون رو می‌زدن. حس خودکم‌بینی، جلب توجه، عدم تحمل مشکلات، همه باعث خودکشی می‌شه...

ب) زندگی خانوادگی، فرزندان و اثرات حبس

از هم‌پاشیدگی کانون خانواده و دوری از والدین یا فرزندان از دیگر تبعات منفی زندان است، که زنان مصاحبه‌شونده بدان اشاره داشتند، زیرا از نظر آن‌ها زندان باعث جدایی مادران از کودکان و گاهی سرگردانی و بی‌پناهی آن‌ها می‌شود. چنان‌که در برخی موارد کودکان این زنان مجبور به زندگی با اقوام، آشنایان، یا حتی زندگی در پرورشگاه می‌شوند. در مواقعی نیز که کودک کمتر از دو سال دارد، به علت فقدان حامی، به زندگی در زندان به همراه مادر مجبور می‌شود. از این‌رو، ممکن است به زندان افتادن مادر اثرهای جبران‌ناپذیری بر زندگی فرزندان باقی بگذارد و آن‌ها را بیش از سایر کودکان در معرض آسیب‌هایی نظیر مشکلات تحصیلی و همچنین ارتکاب رفتارهای بزهکارانه قرار دهد.

از طرفی تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده نشان می‌دهد زنانی که فرزند دارند و به آن‌ها علاقه دارند، تمایل بیشتری برای بازگشت به زندگی و ترک اعمال جرمی ابراز داشته‌اند. پروانه ۴۷ ساله، همسرفوت‌شده، ۳ دختر متولد ۶۷، ۷۱ و ۷۳ دارد و دختر بزرگش عقد کرده است. مادر و خواهرش معتادند. ۴ بار سابقه زندان رفتن دارد که هر ۴ بار به خاطر حمل و نگهداری مواد مخدر بوده؛ با این حال، بیش از ۲ سال است که مواد مخدر را کنار گذاشته و اکنون همراه ۳ دختر خود، که هر سه کار می‌کنند، زندگی می‌کند. وی در ارتباط با علت دوری خود از مواد می‌گوید:

دفعه‌های قبل که زندان می‌افتادم لحظه‌شماری می‌کردم بیام بیرون دنبال همون کارها، ولی دفعه آخر می‌خواستم بیام بیرون برای بچه‌هام کار کنم. دفعه پیش فکر می‌کردم فلان مواد رو کجا گذاشتم که برم بردارم و بکشم. این دفعه خودم رفتم خودم رو معرفی کردم. اون دفعه‌ها یک درصد هم فکر نمی‌کردم بیام بیرون و نکشم. حتماً می‌خواستم بکشم، ولی این دفعه چون بچه‌ها می‌اومدن ملاقاتم، می‌گفتن مامان «توبمیری بزن» که دیگه می‌آی بیرون این کارها رو نکنی. به بچه‌ها قول دادم...

نتایج سایر تحقیقات نیز تأییدکننده این یافته است. چنان‌که او برایان در پژوهش خود دریافت، زنانی که فرزند دارند و به این فرزندان علاقمندند، احتمال موفقیت بیشتری در بازگشت به جامعه و بازسازی زندگی دارند. آن‌ها این مسئله را الگویی مناسب به‌ویژه در ترک اعتیاد زنان معرفی کرده‌اند [۲۸، ص ۹]. به عبارتی دیگر، وجود فرزندان، حمایت خانواده،

دسترسی به شبکه‌های اجتماعی، و خویشاوندان همه می‌توانند به‌منزله حلقه‌های اتصالی عمل کنند که زنان را به زندگی عادی پیوند می‌زنند.

ج) زندان به مثابه آموزشگاه جرم

از جمله اثرهای زندان بر زندانیان، بحث آموزش و یادگیری بزهکاری، بزهکاری مجدد، و مضاعف است. این مسئله باعث می‌شود بسیاری از زنان مجرم، در طول مدت حبس، جذب گروه‌ها و باندهای خلافکاری داخل زندان شوند و سبک و سیاق مجرمانه‌ای را پیش روی گیرند. پری ۲۴ ساله مجرد، به جرم حمل موادمخدر، به مدت ۱ سال و ۲۷ روز زندانی بود و در بهمن ۱۳۹۱ از زندان آزاد شد. دو بار سابقه بستری در کمپ دارد. اعتیاد به مواد مخدر در خانواده وی امری عادی است؛ به طوری که همه اعضا خانواده از جمله مادر، پدر، دایی و برادر و... معتادند. به لحاظ ظاهری کاملاً سابقه اعتیاد در چهره و صحبت کردن وی نمایان و فاقد دندان‌های بالا است. حدود ۸ سال است که مصرف‌کننده هرویین و شیشه است. در طول این مدت، دو بار سابقه ترک دارد که یک بار آن به اجبار بوده است. وی درباره تأثیر زندان می‌گوید:

زندان روی همه چیز تأثیر می‌ذاره، وقتی زندان می‌ری دیگه آدم سابق نیستی؛ مخصوصاً اون از دست رفته‌هایی که تو مواد افتادن، اونجا که می‌افتن، عقده می‌کنن، می‌شینن فکر می‌کنن، واقعاً یک آموزشه، می‌گن دانشگاه دوم، دانشگاه هم براش کمه. می‌دونی می‌ری اونجا یه چیزهایی می‌بینی، یه کارایی یاد می‌گیری، الفاظت، حرف‌زدنت، تیرپت، همه چیزت می‌آی بیرون تغییر می‌کنه... باز قبل زندان فقط یه چیزی می‌دونی، اونجا هزاران چیز رو می‌بینی، یه روز می‌شی این، یه روز می‌شی اون، هر روز یه ماسک می‌زنی، امروز ماسک این رو می‌زنی، فردا ماسک یکی دیگه...

د) ایجاد حس انتقام و کینه‌ورزی به سایر افراد جامعه

از دیگر پیامدهای حبس، ایجاد حس انتقام و کینه‌توزی به سایر افراد جامعه است. برای نمونه، نیکو ۳۲ ساله، مطلقه، مدت ۱۰۳ روز به جرم سرقت در زندان بود و در مرداد ۱۳۹۲ از زندان آزاد شد. لیسانس رایانه دارد و قبل از زندان کارمند یک مؤسسه مالی اعتباری بوده است. وی در این زمینه می‌گوید:

زندان به نظر من اثر اصلاحی نداره، اثر تنفر و تلافی داره. به نظرم من یک‌سری حرف‌ها، فکرها و چیزهایی رو الان می‌دونم که قبلاً نمی‌دونستم. زندان آدم رو کینه‌ای می‌کنه، یکی‌ش خودم و یه کسایی که باهاشون دوست بودم و دردودل می‌کردم. می‌گفتن ما یک روز تلافی می‌کنیم. چون چوب کسای دیگه رو می‌خوریم.

تبعات و پیامدهای مثبت

درعین حال که زندان آثار منفی بر زندگی زنان سابقه‌دار دارد، می‌تواند پیامدهای مثبتی نیز برای ایشان در پی داشته باشد. در ادامه پیامدهای مثبت زندان، با توجه به تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق، کیفی بیان شده است.

الف) قطع شبکه‌های ارتباطی و جداسدن از سابقه جرمی و عوامل جرم‌زا

از نظر مصاحبه‌شوندگان، یکی از فواید مهم زندان، جدایی از عوامل یا افرادی است که در مجرمیت آن‌ها نقش مستقیم یا غیرمستقیم ایفا کرده‌اند. بنابراین، آن‌ها معتقدند زندان موجب قطع شبکه‌های ارتباطی و دوری آن‌ها از جرم شده است، چنان‌که یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه می‌گوید:

همش فکر می‌کنم اگه اون موقع زندان نمی‌افتادم ۶۰-۷۰ درصد شاید وضعم بدتر از الان بود. یک حسنی داشت که از دست شوهرم خلاص شدم، اگه راه دلم رو می‌رفتم، هزار بلای دیگه سرم می‌اومد. شاید گولم می‌زد، خلاف‌های دیگه می‌کردم، شاید یک موقع آدم می‌کشتم.

ب) آموزش مهارت‌های زندگی و حرفه‌ای در زندان

شرکت در کلاس‌های آموزشی و حرفه‌آموزی و همچنین جلسات مشاوره و آموزش مهارت‌های زندگی از جمله برنامه‌های مهم زندان است که برخی از زنان زندانی به فراخور شرایط زندگی و علاقه‌مندی‌هایی که دارند در آن شرکت می‌کنند. حضور در این کلاس‌ها می‌تواند به لحاظ آموزشی و افزایش سطح توانمندی‌ها و اطلاعات و همچنین سپری‌شدن زمان، مفید باشد. از طرفی، برخورداری از برخی حمایت‌های اجتماعی نظیر دریافت وام پس از آزادی برای آن دسته از افراد که گواهی‌نامه این دوره‌ها را داشته‌اند، راحت‌تر است. بنابراین، مدارک اعطاشده در زندان پس از آزادی به کار زندانیان می‌آید. شهین ۵۲ ساله، مطلقه دارای ۲ فرزند که ۱۳ سال از عمرش را در زندان، به جرم حمل مواد مخدر گذرانده و اکنون همراه مادرش زندگی می‌کند و زندگی آن‌ها از طریق مستمری مادر و نگهداری وی از سالمندان می‌گذرد در این زمینه می‌گوید:

من ۱۳ سال زندان رو فقط کار کردم. وکیل بند و زیر هشتی^۱ بودم؛ یعنی صبح یک

۱. «زیر هشت» مکانی است که افسر نگهبان زندان در آن حضور دارد و زندانیان برای انجام‌دادن امور مختلف به آن محل خوانده می‌شوند و از آنجا به بخش مربوطه انتقال می‌یابند. به عبارتی، «زیر هشت» در زندان به جایی گفته می‌شود که رتق و فتق امور همه زندانی‌ها در آنجا اتفاق می‌افتد؛ مثلاً اگر زندانی ملاقاتی داشته باشد یا

ساعت زودتر از همه زندانی‌ها بیدار می‌شدم و ۲ ساعت هم دیرتر می‌خوابیدم که به همه کارهام برسیم. همش کار می‌کردم. خیلی مدرک گرفتم تا دلتون هم بخواد چیز یاد گرفتیم، گلسازی، قالیبافی، گلدوزی، خیاطی، بافتنی و معرق.

ج) گرایش‌های معنوی و تحولات درونی

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد برخی مصاحبه‌شوندگان معتقد بوده‌اند که زندان برای برخی از زندانیان شرایطی را فراهم می‌کند که می‌تواند موجب آگاهی و بیداری آن‌ها از وضعیت و شرایط زندگی و عملکردهای رفتاری گذشته و در سطحی بالاتر می‌تواند موجب تقویت باورها و اعتقادات مذهبی و تحولات درونی در آن‌ها شود. شادی ۳۷ ساله، در سال ۱۳۹۱ به مدت یک سال به جرم سرقت زندانی بود. وی در این زمینه می‌گوید:

هیچ وقت فکر نمی‌کردم زندان بیفتیم... خدا خواست به من بفهمونه که عقلم رو به کار بندازم. زندان آخر دنیاست. توی زندان بیشتر خدا رو شناختم... بیشتر وقتم رو توی کلاس‌های ورزشی، قرآن، و توی آشپزخونه که کار می‌کردم گذروندم... به نظرم زندان برای من خوب بوده، چون بارها با خودم می‌گفتم چرا این‌طور شد، خودم هم جواب می‌دادم چون مصلحت بود. شب‌های ماه رمضان می‌رفتم گریه می‌کردم، می‌گفتم خدایا مصلحت تو بود که اینجا افتادم که اتفاق بدتر از این برام نیفته و راه کج‌تر نرم... الان هم پشیمون هستم و فقط امیدم به خداست. من قبلاً نمازم هم نمی‌خوندم، توی زندان بیشتر خدا رو شناختم.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اگرچه زندگی زنان مجرم در زندان برای هریک از آن‌ها، با توجه به ویژگی‌های فردی و خانوادگی، تجربه‌ی زیسته‌ی منحصر به فردی محسوب می‌شود، این تجربه دربرگیرنده‌ی ویژگی‌های مشترکی است که ممکن است در جریان زندگی پس از زندان این زنان تأثیرگذار باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد زنان، پس از آزادی، زندان را به لحاظ خصوصیات مکانی و مناسبات ارتباطی توصیف کرده و آن را فضایی مبتنی بر مناسبات قدرت، خشونت، ترس، و مواردی نظیر این می‌دانند که بر همه‌ی ابعاد زندگی آن‌ها تأثیر گذاشته و ممکن است در برخی افراد اثر اصلاحی و در بیشتر آن‌ها باعث بیماری‌های روحی و جسمی، افسردگی، ناامیدی، طرد اجتماعی و خانوادگی، و تکرار جرم شود. از طرفی، تجزیه و تحلیل روایت‌های زنان نشان می‌دهد، زندگی در زندان تبعات مثبت و منفی زیادی به همراه دارد. پیامدهای منفی نظیر از

دست دادن اعتبار و آبرو، ایجاد حس انتقام و کینه‌توزی، طرد اجتماعی، آموزش و یادگیری بزهکاری و گسترش کارهای خلاف، از دست دادن شغل و مشکلات معیشتی و درنهایت از هم پاشیدگی کانون خانواده و جدایی از فرزند شود.

بررسی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد زنان مصاحبه‌شونده معتقد بوده‌اند که حبس، تبعات و پیامدهای مثبتی نیز برای آن‌ها به ارمغان آورده است. از نظر آن‌ها زندان موجب دوری‌شان از عوامل جرم‌زا نظیر جدایی از همسر، دوستان، یا والدین و اطرافیان بزهکار شده است. بر این اساس، برخی زنان پس از به زندان افتادن، تصمیم به قطع رابطه با همسر یا شریک زندگی خویش می‌گیرند، زیرا آن‌ها در طول حبس به این نتیجه رسیده‌اند که همسرانشان نقش مؤثری در بروز مشکلات زندگی‌شان و زندانی‌شدن آن‌ها داشته‌اند. نتایج سایر تحقیقات نیز این مسئله را تأیید می‌کند که در بسیاری از مواقع همسر یا شریک زندگی زن، در وادار کردن، متقاعد کردن، یا همراه کردن وی در ارتکاب جرم نقش مؤثری برعهده داشته است. برای مثال، با ناامن کردن فضای خانه از طریق اعمال رفتار خشونت‌آمیز، توهین و تهدید به خشونت، اعمال ترس به منظور درپوش گذاشتن بر اعمال خلافکارانه همسر، یا از طریق رفتارهای احساسی و عاشقانه (هیچ ۲۰۰۵، بلوم و همکاران ۲۰۰۳، جونس ۲۰۰۸).

همچنین، نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی نشان می‌دهد پذیرش تقصیر در ارتکاب جرم می‌تواند نقش مؤثری در روند بازسازی و موفقیت در زندگی و کاهش اثرهای حبس ایفا کند. اینکه فرد زندان را حق خودش نمی‌داند، به نظر در بروز بیماری‌های جسمی و روحی وی و پذیرش شرایط حال زندگی‌اش تأثیرگذار است. زیرا زنان، علاوه بر موارد ذکرشده، نیازمند دگرگونی‌های درونی، تحولات فکری، و اعتقادی نیز هستند. درواقع، برخی از زنان مصاحبه‌شونده ابراز می‌داشتند که در طول مدت حبس گرایش‌های معنوی آن‌ها تغییرات زیادی داشته که درنهایت به تقویت اعتقادات مذهبی آن‌ها منجر شده است. بر این اساس، کسانی که زندان را حق خویش دانسته و آن را ناشی از عملکرد اشتباه و ناصحیح خود می‌دانند و بیان می‌کنند؛ «مقصرند»، در جهت بازسازی زندگی، رفع مشکلات، و برطرف کردن نواقص خود و عملکردشان بیشتر تلاش می‌کنند. این مسئله تقریباً در همه جرایم مشاهده می‌شود. در پاره‌ای اوقات، عدم پذیرش تقصیر موجب تکرار جرم، انجام دادن جرایم مضاعف، به‌وجود آمدن حس انتقام و انتقام‌گیری، گسترش بیماری‌های جسمی و روحی، و عدم پذیرش شرایط زندگی و تلاش برای خروج از وضعیت نابسامان زندگی می‌شود.

درنهایت، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد زنان زندانی گفتمان مشترکی در ارتباط با زندگی «سالم و بی‌خطر» در زندان و به دنبال آن دوری از جرم دارند که بر دوری از سایر زندانیان، عدم عضویت در گروه‌ها و باندها، شرکت در کلاس‌ها و جلسات آموزشی، و به‌اصطلاح «سرگرم‌بودن و سرت به لاک خودت بودن» مبتنی است و می‌تواند زمینه مقدمات بازسازی

زندگی را در زندان برای ایشان فراهم کند. در مجموع، یافته‌های تحقیق دربرگیرنده فرضیه‌هایی است که می‌تواند ما را در زمینه تحقیقاتی جامع در رابطه با زنان سابقه‌دار که دوره محکومیت خویش را گذرانده‌اند، همچنین مسائل و مشکلات پیرامون بازگشت مجدد آن‌ها به جامعه و بازسازی زندگی و درنهایت دستیابی به دانشی جامع به منظور کاهش تبعات حبس و سوء سابقه، کاهش تکرار جرم، و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی رهنمون کند.

منابع

- [۱] آبوت، پاملا و والاس، کلا (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نی.
- [۲] ابراهیمی قوام، صغری (۱۳۸۸). «مطالعه موردی ویژگی‌های زنان بزهدار از روزنامه/یران در سال ۱۳۸۷»، *فصلنامه پلیس زن*، س ۲، ش ۱۱-۱۲.
- [۳] احمدی، امیدعلی (۱۳۷۸). *مطالعه ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی و چگونگی تغییرات زنان مجرم طی یک دوره ده‌ساله (۱۳۶۷-۱۳۷۷)* و زنان زندانی شهر کرمان: استناداری کرمان، کمیسیون امور بانوان.
- [۴] دلاوری، علی؛ گلزار، محمود؛ شجاعتی، عباس (۱۳۸۹). «بررسی ویژگی‌های شخصیتی زنان مجرم»، *فصلنامه زن و جامعه*، س اول، ش ۳.
- [۵] سراج‌زاده، حسن؛ نوربخش، افروز (۱۳۸۷). «بررسی رابطه توسعه اقتصادی و اجتماعی با جرم زنان در ایران»، *نشریه مطالعات زنان*، س ۶، ش ۳، زمستان ۱۳۸۷، صص ۳۱-۵۳.
- [۶] شمس، علی (۱۳۹۱). «آسیب‌شناسی زندان»، تهران: جامعه‌شناسان.
- [۷] عارفی، مرضیه (۱۳۸۹). «مقایسه امکان کنترل، عزت نفس، و اختلالات شخصیتی میان زنان زندانی (با تأکید بر زنان با مجرمیت منکرات) و زنان عادی»، *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء*، دوره ۶، ش ۴، صص ۱۲۵-۱۴۵.
- [۸] عبدی، عباس (۱۳۷۷). «آسیب‌شناسی زندان تأثیر زندان بر زندانی»، تهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.
- [۹] غفاری، عذرا (۱۳۸۰). «بررسی عوامل مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی زنان و مقایسه آن در مناطق مرزی و غیرمرزی اردبیل»، *نشریه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اردبیل*.
- [۱۰] کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۳). *مبانی جرم‌شناسی*، تهران: دانشگاه تهران.
- [11] Adler, Freda (1975). "sisters in crime", new York, NY, USA: McGraw-Hill.
- [12] Bloom, B., Owen, B., & Covington, S. (2002), *Gender-responsive strategies: Research practice, and guiding principles for women offenders*, Washington, DC: National Institute of Corrections.
- [13] Given, Liza. M (2008). *The Sage Encyclopedia of Qualitative Research methods*, Sage.

- [14] Gelsthorpe ,Lorraine & Alison Morris (1990). *Feminist perspectives in criminology*, Buckingham, UK: open university press.
- [15] Hirsch, A. (2005). *eeeeeee mmm,, aattddd dnnn hhe aaaatt ff mmm'' s criminal Records* .In C. Mele & T. A. Miller (Eds.), *Civil penalties, social consequences* (pp. 85–98). London, England: Routledge.
- [16] Jones, S. (2008). “Partners in crime: A study of the relationship between female offenders and their co-defendants”, *Criminology and Criminal Justice*, 8, pp 147–164.
- [17] O’Brien, P. (2008). *Maximizing Success for Drug-Affected Women After Release from Prison*, Women & Criminal Justice Publication details, including instructions for authors and subscription information: <http://www.tandfonline.com/loi/wwcj20>.
- [18] Sadeghi-Fssaei, Soheila (1996). “Women and Crime in Iran: The Effect of The Circumstances of Occupation on Crime”, Ph.d. dissertation, university of Manchester.
- [19] Simon, R.(1975). *Women and Crime*, London: Lexington.
- [20] Smart ,c(1977). *women, criminal and criminology*, Rutledge and kegan paul.

